

تحقیق در

تفسیر ابوالفتوح رازی رحمۃ اللہ علیہ

(قصص)

جلد سوم

تألیف

دکتر عسکر حقوفی

به کوشش

سید مجتبیٰ صفی

مجموعه آثار کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی رحمۃ اللہ علیہ - ۷

حقوقی، عسکر، ۱۲۹۹، ۱۳۸۰.

تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی / تألیف عسکر حقوقی؛ به کوشش:
علی اکبر زمانی نژاد، سید ابوالحسن علوی، سید مجتبی صفی. - قم:
دارالحديث، ۱۴۲۶ ق = ۱۳۸۴.

۳ ج. - (مجموعه آثار کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی رحمته الله علیه ۵ - ۷).
۳۹۰۰۰ ریال 4 - 044 - 493 - 964 ISBN
X - 041 - 493 - 964 ISBN(set): کتاب نامه.

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، قرن ۶ ق. - روض الجنان - نقد و
تفسیر. الف. زمانی نژاد، علی اکبر، ۱۳۴۲. - ب. علوی، سید ابوالحسن،
۱۳۴۰. ج. صفی، سید مجتبی، ۱۳۴۱. - د. کنگره بزرگداشت شیخ
ابوالفتوح رازی. ه. عنوان. و. عنوان: تفسیر ابوالفتوح رازی.

۱۳۸۴ ۹۰۹۳ ر ۲ الف / ۵ / BP۹۴



تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی رحمته الله علیه

(قصص)

(جلد سوم)

تألیف: دکتر عسکر حقوقی

به کوشش: سید مجتبی صفی

(مجموعه آثار کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی رحمته الله علیه ۷)

ناشر / سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

چاپ / اول، تابستان ۱۳۸۴

چاپخانه / دارالحديث

شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه

بها / ۳۹۰۰ تومان

آدرس: قم، خیابان معلم، نبش کوچه ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۷۷۴۰۵۴۵ - ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ - ۰۲۵۱

فهرست اجمالی

۷	مقدمه مؤلف
۲۹	آدم
۴۳	هابیل و قابیل
۵۲	نوح
۷۰	هود
۸۱	صالح
۹۵	ابراهیم
۱۲۳	اسماعیل ذبیح
۱۲۸	الیاس
۱۳۶	لوط
۱۴۳	یعقوب و یوسف
۲۰۲	وصیت یعقوب
۲۰۵	شعیب
۲۱۲	موسی
۳۳۰	طالوت
۳۴۷	داوود
۳۵۳	سلیمان
۳۹۳	ارمیا
۴۱۶	عزیر
۴۲۵	ایوب

۴۳۳	یونس
۴۴۲	پیامبران در انطاکیه
۴۴۷	داستان حزقیل
۴۵۱	زکریا و یحیی
۴۵۷	مریم
۴۶۳	عیسی
۴۸۴	ذو القرنین
۴۹۵	داستان اصحاب کهف و اصحاب الرقیم
۵۱۳	اصحاب الاخدود
۵۱۸	سیل عرم
۵۲۱	اصحاب فیل
۵۲۷	لقمان
۵۳۱	هاروت و ماروت
۵۳۵	اصحاب السبت
۵۴۱	اصحاب رس
۵۵۰	برصیصای راهب

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾^۱

مقدمه

ای درون پرور برون آرای
وی خردبخش بی خرد بخشای
در دهان هر زبان که گردانست
از ثنای تو اندرو جانست

همه ملل و امم، که در نواحی و اقطار عالم پراکنده اند، هر یک تاریخی مخصوص به خود دارند و مبدأ آن از زمان پادشاهان بزرگ یا پیغامبران عالیقدر می باشد و چون میان اقوام و ملل در کیفیت تاریخ اختلاف زیادی است که با فاصله زمان درازی که با زمان ما دارند، با مطالب نادرست و افسانه آمیخته شده است، لذا قبول آن قصص جز از کتاب معتمد و یا خبری که با شرایط ثقه توأم باشد، درست نیست.

یکی از شقوق معارف قرآن مجید، قصص و تاریخ پیامبران سلف و اسم پیشین می باشد. پس از پیدایش علم تفسیر و توضیح معانی و مطالب قرآن، مفسران با استناد به احادیث و اخبار و روایات منقول از ائمه اطهار علیهم السلام و صحابه، به شرح و بسط بیشتر قصص انبیاء پرداخته اند.

در قرن چهارم مفسرین در باب قصص قرآن به تحقیق و مطالعه برخاسته اند. بعضی از مفسران شیوه قدما پیش گرفتند و بر اساس روایات نخستین مفسرین

نوشتند؛ ولی برخی دیگر به تأویلات عجیب مبادرت کردند.^۱

نخستین بار قصص قرآن به فارسی در ترجمه تفسیر طبری، که در نیمه قرن چهارم هجری به وسیله جمعی از علما و فقهای ماوراء النهر صورت پذیرفت، در دسترس مسلمانان قرار گرفت. پس از آن در تفسیر اسفراینی که به تفسیر شاهپور^۲ نیز شناخته شده و سپس در تفسیر^۳ زاهد و سرانجام در تفسیر^۴ سور آبادی، قصص قرآن به فارسی آورده شد و مسلمانان پارسی زبان از آن تفاسیر برخوردار شدند؛ در نیمه اول قرن ششم هجری تفسیر کبیر، *روض الجنان و روح الجنان* تصنیف عالم بزرگ شیعه، الشیخ جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد بن الحسین بن احمد الخزاعی الرازی معروف به تفسیر ابوالفتوح رازی در بیست مجلد به زبان فارسی فراهم آمد.

این تفسیر کبیر، که بر مذاق و مشرب تشیع تهیه و تدوین شده، در بر دارنده سرگذشت عبرت انگیز پیمبران پیشین از آدم ابوالبشر تا پیغامبر آخر الزمان است که در خلال تفسیر آیات قرآنی جای جای ترجمه احوال و شرح قصص و تاریخ انبیاء به چشم می خورد و مصنف دانشمند و عالقدرش در گزارش تاریخ حیات پیغمبران و دعوت ایشان از مردمان و نقد مسائل تاریخی، صحیح را از سقیم و یقین را از گمان و ظن بیرون آورده، نظر واقعی خود را بیان داشته است.

۱. رجوع شود به کتاب *الحضارة الاسلامیة*، ج ۱، ص ۳۲۷ به بعد.

۲. تفسیر کبیر محمد بن جریر طبری، موسوم به *جامع البیان فی تفسیر القرآن* است که در زمان سلطنت منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی (جلوس ۳۵۰ ق) توسط گروهی از علمای ماوراء النهر ترجمه شده است.

۳. *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، معروف به تفسیر اسفراینی، تألیف شاهپور عماد الدین ابوالمظفر طاهر بن محمد الاسفراینی (متوفی به سال ۴۷۱ ق).

۴. *لطایف التفسیر یادرواچکی* از ابونصر احمد بن الحسن بن احمد الدارانی در سال ۵۱۹ ق.

۵. تفسیر سور آبادی از ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری.

می‌دانیم که در نوشتن تاریخ، تنها صداقت و امانت و اطلاعات کافی نیست؛ بلکه برای تنظیم آن هنری هم لازم است؛ یعنی مورخ باید بتواند با انشائی روان و ساده و مؤثر، گذشته تاریک را پیش چشم آیندگان مجسم و محسوس سازد.

شیخ در تنظیم این تفسیر بزرگ و انشای داستانهای قرآن، که معرف هنر و نشانۀ قدرت اوست، توفیق یافته است که با عبارات ساده و روان فارسی قصص قرآنی را بیان کند و در این نیت کوشیده است تا کلمات و تعبیرات را به جای خویش بنشاند و کتاب را برای فارسی زبانان فاضل و هم برای فارسی دانان کم مایه بسازد و بپردازد و از آرایش سخنان آن چنان که مُخَلّ معنی و سبب فراموشی مقصود است، پرهیزد و آیات براعت و فصاحت و بلاغت را در سادگی و روانی و زیبایی انشای خود نشان بدهد، بی آنکه چون دیگر همزمانهای خویش به تکلف و تصنع در نثر دست یازد و خود نمایی را در فن سخن شناسی و سخنوری به گونه‌ای دیگر ارائه نماید.

از این رو، مطالعه و مداقه تاریخ پر هیجان پیشوایان حق از روی نوشته نویسنده پارسی گوی رنجر گفتاری چون ابوالفتوح در خور توجه است که وی با اوصاف و شیوایی نثر و با زبانی گشاده و دیدی فراخ به گزارش سرگذشت حیرت‌انگیز فرستادگان خدا پرداخته است.

راست است که شیخ تفسیر خود را تنها برای به وجود آوردن یک اثر تاریخی تصنیف نکرده، اما چون این کار را در خلال تفسیر پیش گرفته، بر آن شده است که در شرح داستانها گرد زوایا و نجایا بگردد و بنا آنجا که مقدر باشد، از تفصیل احوال انبیای گذشته و اوضاع عصر اسلامی چیزی فروگذار نکند و الحقیق از عهده این مهم نیز به خوبی برآمده است. بنا بر آنچه گفته شد، تفسیر ابوالفتوح از نظر اجتنای بر تاریخ و قصص انبیای عظام در خور اهمیت و شایسته تحقیق و تتبع بوده است.

این تفسیر از جملۀ مشتمل است بر تاریخ آفرینش جهان خلقت آدم، نخستین آفریده و فرستاده خدا تا رویدادهای حوادث عصر پیغمبر بزرگ اسلام

و نیز سوانحی که پس از آن بزرگوار میان پیروانش روی داد و به تفرقه مسلمانان منتهی شد.

شیخ در این کار مهم بدون تردید تفاسیر بعضی از گذشتگان را پیش چشم داشت و مطالبی از آن منابع دینی و مأخذ تاریخی خوشه چین نموده و هم از اطلاعات عمیق و پردامنه خویش بهره‌ها گرفته و از آن روی که مردی ثقة و مورد اعتماد جهان تشیع بوده، با دقت نظر و صحت بیان تاریخ انبیا را نیز به رشته تحریر در آورده است.

روا بود که مجلدی جداگانه و مستقل شامل بر تاریخ رسولان حق، آن هم به نثر ساده و زیبای ابوالفتوح فراهم آید و در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. اما دشواری چشمگیری در رسیدن به این مقصود در پیش بود و آن اینکه داستانهای برگرفته از تفسیر ابوالفتوح چنان نیست که خوانندگان ارجمند اکنون آن را در پیش چشم دارند؛ بلکه هر داستان به تفاریق، در خلال تفسیر آیات، جای جای در سوره‌های قرآن نقل و بیان شده که مؤلف این مجموعه به ناچار ضمن مطالعه بیست مجلد از تفسیر توفیق یافت که مطالب تاریخی را به طور پراکنده و با دقت و مراقبت لازم برگیرد و سپس به تنظیم و تلفیق آنها به شیوه‌ای که هر داستان مستقلاً با نظم و نسق تاریخی بیاید و بدان روش که در علم تاریخ موزد نظر است، فراهم شود. صعوبت و دشواری کار را همین بس که بعضی از قصص در سوره‌های مختلف و به طور پراکنده شرح شده که محض ارائه نمونه، مواضع یکی دو داستان را در تفسیر ابوالفتوح پیش چشم خوانندگان ارجمند می‌گذارد:

داستان حضرت موسی بن عمران، پیمبر بنی اسرائیل در ۳۴ سوره قرآن و در خلال تفسیر ۱۴۳ آیه ذکر شده که نام سوره‌هایی از قرآن که متضمن داستان موسی علیه السلام است، به این شرح ذکر می‌شود:

بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، یونس، هود، ابراهیم، اسراء، کهف،

مریم، طه، انبیاء، حج، مؤمنون، فرقان، شعرا، نمل، قصص، عنکبوت، سجده، احزاب، صافات، غافر، سجده، حم شورا، زخرف، احقاف، الذاریات، نجم، صف، نازعات، اعلی.

و نیز داستان حضرت نوح علیه السلام در ۲۸ سورة قرآن و ذیل ۱۲۲ آیه شرح و بیان شده است: آل عمران، نساء، انعام، اعراف، توبه، یونس، هود، ابراهیم، اسرا، مریم، انبیاء، حج، مؤمنون، فرقان، شعرا، عنکبوت، احزاب، صافات، ص، غافر، شورا، ق، ذاریات، نجم، قمر، حدید، تحریم، نوح و بدین نمط قصص دیگر نیز در سوره ها و آیات متعدد آمده است.

گرد آورنده این مجموعه با دقت فراوان همه موارد را از تفسیر بیرون آورد و آنها را به ترتیب و نظم تاریخی، یکی پس از دیگری قرار داد و زوائد و مکررات را بر انداخت تا از حجم بی تناسب کار بکاهد و بر آن شد که در تنظیم و تألیف قصص انبیا به الحاق و افزایش کلمتی از خود نپردازد و همه داستانها را از آغاز تا به انجام، از خامه توانای نویسنده پارسی گوی چیره دست سده ششم هجری فراهم آورد. پوشیده نیست که رسیدن به این مقصود، بس دشوار می نمود. از بخت نیک، فضل خداوند منان و یاری ارواح طیبه فرستادگان بزرگوارش شامل حال شد. عسرت و دشواری از میان برخاست و سرانجام از قصص قرآن، آن بخش که به پیامبران پیشین اختصاص داده شده است، فراهم آمد و قصص عصر اسلامی به زمانی دیگر موکول شد.

چون متأسفانه کوشش خاصی هنوز برای طبع دقیق تفسیر ابوالفتح به کار نرفته و شاید علت آن هم عدم دسترسی به نسخ خطی کهنه و معتبر بوده است و با اینکه تفسیر شیخ چند بار تجدید طبع شده، مع هذا نه تنها کمکی به صحت طبع آن نشده، بلکه باعث رواج نسخ مغلوطنی که به شتاب تجویل بازار شده. نیز گردیده است. در آنچه از پیش طبع و منتشر شده باید گفت که عمل تصحیح و مقابله با نسخ

معتبر، چنان که سنت علمای قدیم و شیوه محققان امروزی است، انجام نگرفته و از این رو، تفسیر چاپی ابوالفتح مورد اعتماد و اعتبار فضلالی حقیقی واقع نشده، نسخی مغلوط و آشفته فراهم شده بود که در دسترس عامه مردم قرار گرفته است. می دانیم که کاتبان به سبب عدم دقت و یا بی سوادگی با اینکه در فن و هنر خوشنویسی چیره دست و ماهر و کار آمد بوده اند، دچار خطاهای فراوان شده اند و از روی گمان و حدس تغییرات و تحریفات نابجایی در دستنویسی نسخه های مخلوط از خویش به جای گذاشته اند. این اشکال تنها متوجه تفسیر ابوالفتح رازی نیست؛ بلکه در مورد عده زیادی از متون زبان فارسی، که در طول چند قرن در ایران و یا در سرزمینهای خارج به طبع رسیده نیز چنین اشکالاتی فراوان به چشم می آید، و نشان می دهد که هنوز برای بیشتر این متون ارجمند، طبع دقیق و صحیح و انتقادی، که با روش علمی مناسب و موافق باشد، صورت نگرفته و جا دارد که مؤلفان با بردباری خاص و با رعایت دقت و امانت کامل مطالب را از نسخه های کهن و معتبر فراهم آورند و سپس در دسترس علاقه مندان قرار دهند.

کتاب حاضر، که دنباله تحقیقات مداوم چندین ساله نگارنده در تفسیر ابوالفتح رازی است، بنا بر همین شیوه جمع و تألیف و تنظیم و تصحیح گردید. اساس کار بر چند نسخه کهنه و نو قرار داده شد و تا آنجا که مقدور و میسر بود، بر آن شد که قصص قرآنی را از این نسخه های معتبر برگیرد و به نظم و نسق تاریخی در آورد و سپس به جامعه ادب پارسی عرضه نماید و نیز با همین نمونه نشان دهد که طبع انتقادی تفسیر با تهذیب بیشتری ضرورت کامل دارد. بر آنم که به یاری دادر پاک، پس از طبع فرهنگ لغات و مصطلحات تفسیر ابوالفتح، به طبع منقح و انتقادی این تفسیر کبیر پردازد. امید است که به دو نسخه مخلوط دیگر از همین تفسیر، که خوشبختانه در کتابخانه های ایران سراغ دارد، دسترسی یابد.

انفاس قدسیه و ارواح طیبه بزرگان دین را در این امر خطیر به یاری و مدد کاری

می‌طلبد و آرزوی قلبی خویش را در انجام این مسئول پوشیده نمی‌دارد؛ باشد که به خواست خداوند بزرگ در این کار خطیر توفیق یابد!

یکی از مفیدترین اقدامات برای احیای مبنای ملی آن است که پایه و اساس علوم ادبی استوار شود و برای کارهای تحقیقی ادبی، دست‌افزاری که در بایست است، آماده گردد تا محققان گرانمایه بتوانند بر مبنای نوشته‌های صحیح و منقح بزرگان ادب پارسی در مباحث لغت و دستور و جز آنها، بهتر و پرداخته‌تر بررسی و خوض نمایند و نظرات مستند خود را که به صواب مقرون باشد اظهار کنند. اگر بخواهیم به اساس ملیت خود، یعنی علوم و ادبیات خدمتی شایسته انجام دهیم، باید سخنان پخته و سخته بزرگان ادب پارسی زبان را بر اساس و مبنای صحیح نشر و در دسترس مطالعه و تحقیق جوانان دانش پژوه و محققان ارجمند قرار دهیم.

این بنده را عقیده بر آن است که بزرگترین خدمت به ملت ایران و فرهنگ ایرانی، احیای آثار مهم گذشتگان اوست. کتاب حاضر به صورتی که فراهم آمده، یکی از آن آثار نفیس و گرانمایه یکی از پیشینیان ملیت پرور ماست که با شیوه خاصی به رشته انتظام در کشیده شده است.

تنظیم قصص و تألیف کتاب حاضر از روی نسخه واحدی از نسخ مخلوط موجود میسر نگردید؛ زیرا هیچ یک از نسخه‌هایی که در دست بود، کامل نبود. پس در تنظیم و تألیف این کتاب، نه نسخه خطی و عکسی ناتمام از ابوالفتوح در دسترس قرار گرفت و در مواردی که یک یا چند نسخه مخلوط، قصص واحدی از تفسیر را متضمن بود، به مقابله و تصحیح انتقادی مبادرت ورزید و در ذیل هر داستان مأخذ نسخه را نشان داد و نیز نسخه بدلها را ارائه نمود. روی هم رفته خوانندگان ارجمند می‌توانند با مطالعه این مجلد و مقابله و مقایسه آن با نسخ مطبوع تفسیر ابوالفتوح به سهولت دریابند که اصالت و شیوایی نثر این تفسیر و روانی و زیبایی سادگی آن چگونه دستخوش تحریفات و تغییرات نابجا گردیده است.

پیش از آنکه به وصف اجمالی هر یک از نسخ خطی و عکسی که مجموعه حاضر از روی آنها تنظیم و تألیف شده بپردازد، کلمتی چند در باب شیوه خاص انشایی ابوالفتوح می آورد و سپس نسخه‌هایی مخلوط را معرفی می‌کند.

شیوه خاص انشایی ابوالفتوح در قصص

دو قرن پنجم و ششم هجری را باید دوره کامل ادبیات فارسی دانست. نویسندگان در این دو قرن درباره موضوعات گوناگون و متعدد، که در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی و دینی و تاریخی و شرح احوال و تصوف، آثاری ارزنده به وجود آورده‌اند توانسته‌اند استادانه از عهده تألیف و تصنیف بر آیند و با پختگی کامل کتابهایی نفیس عرضه دارند. میزان اطلاع نویسندگان و توسعه روز افزون آن در این ایام کاملاً به چشم می‌آید و ابوالفتوح خود یکی از آن نویسندگانی است که با وسعت اطلاع و احاطه بر جمیع معارف اسلامی توانسته است تصنیف جامعی فراهم آورد.

ابوالفتوح معاصر با عهد و زمانی است که نویسندگان در اظهار فضل و ارائه معلومات خویش دست به کار تکلفات صوری و استفاده از لغات تازی و صنایع لفظی و مانند آن بوده‌اند. اما وی در نهایت سادگی و روانی، کلام خدا را به شیوایی و فصاحت و اصالت در نشر کهنه پارسی و جزالت خاص آن ترجمه و تفسیر کرده است. آن چنان که از واژه‌های پارسی سره و خصوصیات دستوری قرن سوم و چهارم بی‌بهره نمانده و در این راه از دو تن از نویسندگان همزمان خویش، یعنی ابوالمعالی مترجم کللیه و دمنه بهرامشاهی و نظامی عروضی صاحب چهارمقاله، در تأثر از لغات و ترکیبات و قواعد زبان تازی و تأثیر آن در نشر تفسیر خود به دور مانده است؛ تا آنجا که از بسیاری جهات تفسیر وی لطافت و سادگی و روانی و زیبایی زبان کهنه فارسی را حفظ نموده و آن چنان که از دو اثر اخیر الذکر به صنایع لفظی و ترکیبات و لغات عربی آمیخته شده‌اند، تفسیر شیخ جز از طریق سادگی و بی‌پیرایگی قدم بر نداشته و پایه شیرین سخن فارسی را همچنان که بوده، نگه

داشته است. تفسیر ابوالفتوح در زمره ساده‌ترین و شیواترین آثار منشور قرن ششم به شمار می‌آید که از پیرایه هر نوع تکلف و تصنعی عاری است و دارای لغات فارسی لطیفی است که در قرنهای بعد، همه از میان رفته است و بسیاری از لغات پارسی، بدان معنی که وی به کار برده، در قرون پیش هم به کار برده نشده است.

این همه نکلفات و صنایع، که از نثر پارسی رسیده و سرایت کرده، بسیاری از نویسندگان قرن ششم را آن چنان تحت تأثیر قرار داده که در اظهار فضل و نمودن قدرت خویش معانی عالی را فدای الفاظ نموده‌اند و یکباره همه دقایق سخن را از دست داده، به صرف خودنمایی و نشان دادن قدرت، به آوردن نثر مصنوع متکلف پرداخته‌اند.

با اینکه تفسیر ابوالفتوح را به جهاتی باید در ردیف آثار علمی قرن ششم محسوب داشت و با وجود مطالب و معانی بزرگ و متنوعی که مصنف پیش چشم داشته و از نظر فهم و درک معانی و تحلیل و تجزیه و استدلال و استنباط آن مطالب پیچیده کلامی و فلسفی و الهی ناگزیر به بسط مقال و ورود در لغات و ترکیبات و اصطلاحات تازی بوده، با اینهمه جانب سادگی و روانی عبارات نگاه داشته شده و اگر گهگاهی اسجاع و تجنیس در خلال آن به چشم می‌آید باید منصفانه قضاوت نمود که آن نیز تصنعی نبوده و دور از اخلال معانی به روانی و سادگی برگذار شده است و ما را گزیری نیست جز اینکه بگوییم نثر تفسیر ابوالفتوح، به ویژه نثر مربوط به قصص، نثری است مرسل به تبعیت و تقلید از نثر قدیم در صرف و نحو لغات پارسی و شیوه ترکیب و جمله بندی تألیف شده و بیشتر سبک کتابهای قرن پنجم و روش و سلیقه نویسندگان آن زمان را به کار برده. و بعضی تعبیرات و اصطلاحات و ترکیبات و لغات بعینه همان است که در کتب دو قرن پنجم و ششم دیده می‌شود. با اینهمه باید اظهار نظر نمود که شیخ نیز تحت تأثیر فارسی آمیخته به عربی، به ترجمه آیات قرآنی و تفسیر آن پرداخته و با سعی بسیاری که در انتخاب لغات

پارسی به کار برده، مع هذا نتوانسته است یکباره خود را از قید زبان تازی برهاند؛ چه کار وی ترجمه و تفسیر کلام الله بوده و این خود از کارهای نویسندگان همعصر و زمانش دشوارتر می نموده است؛ زیرا در این کار او مستقیماً با زبان عرب سروکار داشته و ناگزیر بوده است که بعضی کلمات و اصطلاحات تازی را بکار برد.

در مقام مقایسه این تأثیر و تأثر گوییم که ترجمه های فارسی او ملاک خوبی برای تشخیص میزان و مقدار ورود لغات تازی و واژه های پارسی است، در ترجمه آیات لغاتی چون:

وحنی، قاب قوسین، سدرة المنتهی، جنة المأوی، لات، عزى، منات، سجده، آخرت، مهاجر، شیطان، کافر، مشرق، مغرب، ثلث، نبوت، زکات، قرض، عذاب، عزلت، قبر، هلاک، وعده، قرآن، استهزاء، ملت، قسم، اطاعت، صالح، فضل، توکل، وکیل، وهن، فساد، رسول، استنباط، تکلیف، رحمت، شفاعت، تحیت، محاسب، منافق، اضلال، مهاجرت، ديه، صدقه، قاتل، غضب، تفتیش، جهاد، اسلحه، مجادله، فتوی، مکر، عدالت، نفس، وصیت، آیت، شکر، شاکر، بهتان، یقین، قصه، شک، ارث، مؤنت، عقد، حلال، حرام، عقوبت، ذبح، قمار، عفت، مرفق، مسح، غسل، قیامت، سلامت، قربانی، معجزه، توبه، جاهلیت، رگوع، نفقه، کفاره، کعبه، انتقام، برضی، خواریزون، شرک، صبر، تقصیر، حشر، شفیع، ذریه، صراط، امانت، جن، اسلام، انس و... به چشم می آیند که یا معادل فارسی آنها در عهد شیخ وجود نداشته و یا این واژه ها به مراتب سهل تر از کلمات فارسی به کار برده می شده. این لغات به صورت اسمهای جامد و مشتق، مصدر مجرد و مزید و سه حرفی و چهار حرفی و موصوف و صفت و... آمده.

در مقابل این لغات، که جنبه دینی دارند، واژه های پارسی سره نیز در ترجمه مستقیم آیات و یا در متن تفسیر و شرح قصص و داستانها دیده می شود که در جای خویش حائز اهمیت و در خور توجه است. این لغات یا در کتب آن زمان نیامده و یا

شیوه استعمال و استنباط معنی آن غیر از آن است که شیخ از آنها دارد. نمونه فراوان از این نوع واژه‌ها را در مجلد نخستین کتاب تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی نشان داده‌ام و نمونه‌های بسیاری دیگر در دست است که مجموعاً در مجموعه‌ای به نام فرهنگ لغات و مصطلحات تفسیر ابوالفتوح آماده چاپ گردیده است. اینک نمونه‌ای از لغات نادره تفسیر ابوالفتوح: آتش تاغ، آخربنان، آویخته، آبریز، ازک، آشکاره، اسفرو، انداخت، انزله کردن، انگله، بارانیدن، بجاردن، بسند کار، بشولیده، بهترینه، بهینه، بیدیدگی، بیختن، پاتهی، پرنجن، پاتیلچه، بی‌سامان کار، پایندان، پایندانی، پرستک، پس‌روی، تاسه، ترسکار، جائیدن، چراغ پای، چره، چسفان، چند گاهه، چندینی، خارناک، خفیدن، خوار، دختره، درختستان، درخت سنب، درزه، دستره، دویسیده، راستیگر، راستینه، ژفکن، سازو، ستبره، سراشک، سنب، شببازه، شبیاریدن، فرستک، فروختار، فلانه، کال زار، کاهانیدن، کراتین، کش، کفیده، گلگیری، کنده‌گر، کوف، گاورس، گرز، گف، گرمگاه، گلینه، لاوه‌گر، لبنک، لخشیده، مادینه، ماستینه، نورده، هازدن، هاشدن، هرشه، هشته، هفنده، روانیدن، دروده کردن، دمش، چفته، بالان، جره، دستار خوان، رزیدن، افلاختن، رکو، دل دوری، پڑهان، فرودان، گریان، نان، تنک، اندبارها، اهر، یاسه، مهرک، زور، نماز کنی، هنجمک، وامیار، گلو، گرفت، چشم افسای، بازاستان، انگشت، دستار خوان، گربان، شناس، بسودن، سرپوشیده، بهی، هوا گرفتن، شنگ موی، کم دانان، سلامگاه، مهترک، بینی دره، نهادگی، ورزا، واپس، تخته بند، باجبان.

در حقیقت ترکیبات فارسی و عربی که در تفسیر ابوالفتوح دیده می‌شود؛ از ویژگیهای نثر شیخ است و پیشینیان او نه بدان صورت ترکیباتی آورده‌اند و نه بدان معنی که وی استنباط کرده و به کار برده، استعمال کرده‌اند و از این روست که نثری شیوا و تا حد مقدور برکنار از تکلفات الفاظ تازی است و لطافت و روانی همراه با جزالت و استواری کلام در آن به خوبی محسوس است.

در باب نشر ابوالفتح باید گفت استناد و استشهاد به احادیث و اخبار، اگر چه لازمه هر تفسیری است، ولی تمثیل و توسل به اشعار و احادیث از نظر زیبایی کلام و هنر نمایی، مخصوص همین عهد است و در تألیفاتی نظیر چهار مقاله و کلیله و دمنه به حد وفور دیده می‌شود. در آثار متقدمان آوردن شواهد شعری و احادیث مرسوم نبوده است، مگر حدیث و یا شعری که با مطلب و موضوع کتاب بستگی و ارتباط داشته باشد.

شیخ در اثنای تفسیر، اشعار عرب و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را به ناچار آورده و بسیاری از احادیث و برخی از اشعار را به نثر روان و شیرین خویش ترجمه کرده است. فواید لغوی و نکات دستوری و لطایف و دقایق ادبی در این داستانها کم نیست، لیکن چون بحث در آنها در مجلد نخستین این کتاب در فصل مربوط به «سبک و خصوصیات دستوری و لغوی و املائی» به شرح آمده است، لذا تکرار آن جایز ندید و علاقه‌مندان را به مطالعه آن کتاب راهنمایی می‌کند. با این همه، محض جلب توجه صاحبان نظر به اهمیت تفسیر کبیر ابوالفتح، بعضی از لغات و ترکیباتی که در این تفسیر به کار رفته است، استخراج گردید و در آخر کتاب جای داده شد تا مورد استفاده قرار گیرد. معانی لغات، چنانکه در فرهنگها ضبط شده و یا از فحوای کلام و سیاق عبارت استنباط گردیده؛ فراهم آمد که خوانندگان را در قرائت و فهم مطالب این کتاب یاری نماید.

وصف اجمالی نسخ خطی و عکسی

متأخرترین نسخه خطی اما ناقص که بدان دسترسی داشتم، متعلق است به کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۳۶ که از اوایل سوره مزمل تا آخر قرآن را شامل

است و در سال ۵۵۷هـ توسط ابوزید بendar بن محمد بن الحسین بن الحسن بن محمد بن یونس البراوستانی تحریر و استنساخ شده و نسخه‌های دیگر متعلق است به قرون هفتم و هشتم تا قرن یازدهم هجری.

در چند مورد معدود برای تکمیل و اتمام داستان از نسخه مطبوع سال ۱۳۱۵ش که خود از روی نسخه خطی کتابخانه سلطنتی تهران و کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد آماده طبع شده، استفاده نمود. نسخه خطی کتابخانه سلطنتی از روی نسخه‌ای مخطوط، که در سال ۹۴۷ش کتابت یافته، دستنویسی شده است.

گاهی مطالب یک داستان از روی دو نسخه مخطوط فراهم و تکمیل گردید و زمانی برای اتمام آن از نسخه‌های خطی و چاپی مدد گرفت. اکنون به طریق اجمال به وصف هر یک از نسخ خطی و عکسی که کتاب حاضر از روی آنها تنظیم و تألیف شده، می‌پردازد:

۱. میکروفیلم شماره ۲۹۰۴ متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

عکسی که از روی این میکروفیلم تهیه شد، مربوط است به نسخه خطی شماره ۱۳۶ کتابخانه آستان قدس رضوی که در سال ۵۵۷هـ توسط ابوزید بendar بن محمد بن الحسین بن الحسن بن محمد بن یونس البراوستانی تحریر و استنساخ شده و مشتمل است بر اوایل سوره مزمل تا آخر قرآن این نسخه به شماره عمومی ۱۳۳۸ در کتابخانه آستان قدس ثبت شده و در سال ۱۰۶۷هـ آن را وقف نموده‌اند، دارای ۲۱۷ ورق، ۴۳۴ صفحه و در هر ورق نوزده سطر و به قطع ۱۲×۱۸ سانتی‌متر است.

۲. میکروفیلم شماره ۲۹۰۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

از روی همین میکروفیلم نسخه‌ای عکسی، که دارای ۳۳۴ ورق و ۶۸۸ صفحه و در هر صفحه بیست سطر است، تهیه شد.

این نسخه به خط نستعلیق است و در سال ۱۱۴۰ هـ توسط نادرشاه افشار، سردودمان سلسله افشاری، وقف آستان قدس رضوی گردیده است. شماره آن ۱۳۰ و شماره عمومی ۱۳۳۷ و به قطع ۱۹ × ۲۰ سانتی متر است. متضمن بر تفسیر ابوالفتح از آیه ۵۹ سوره مائده تا آخر آیه ۹۶ سوره اعراف. چند تاریخ در این نسخه دیده می شود که عبارت اند از پنجم محرم ۱۱۰۴ و ۱۱۴۰ و ۱۱۲۷ و رمضان ۱۲۶۶ هجری.

قسمت دیگر همین نسخه به قطع و خصوصیات اوراق نخستین مشتمل بر تفسیر آیه ۱۰۷ سوره انعام تا آخر آیه ۱۷۰ سوره اعراف.

۳. میکروفیلم شماره ۲۹۸۰ متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

نسخه عکسی که از روی میکروفیلم شماره ۲۹۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فراهم شد، مشتمل است بر ۱۳۰ ورق که ۲۶۰ صفحه باشد، هر صفحه ۲۳ سطر. متضمن قسمتی از نسخه مخطوط تفسیر ابوالفتح، از آغاز سوره حجرات تا آخر سوره جمعه یعنی تفسیر ۶۷ سوره آخر قرآن، که در سال ۱۰۷۲ هـ به خط نستعلیق تحریر یافته و دارای ۴۲۷ ورق است، به قطع ۱۶ × ۲۸ سانتی متر، و در هر صفحه ۳۲ سطر نوشته شده، در سال ۱۳۲۹ وقف کتابخانه آستان قدس رضوی گردیده و تحت شماره ۷۶۹۴ ثبت شده است.

۴. نسخه حسن زاده (ح)

این نسخه متعلق است به یکی از محترمین شهرستان آمل از استان مازندران و مربوط است به قرن هشتم و نهم هجری و در اختیار فاضل ازجمند آقای محمد تقی دانش پژوه، دانشیار محترم دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، بوده که به لطف خاص خویش آن را در دسترس مطالعه اینجانب قرار داده اند.

در درون جلد این نسخه نوشته شده که ملک علامه ادیب سید میرزا قوام الدین محمد حسینی است و این همان کسی است که در اجازه مرحوم آقا سید عبدالله خرازی ترجمه اش مذکور و دارای تألیفات و منظومات عدیده مانند نظم لمعه و زبده و کافیه و شافیه است که بعضی از آنها به طبع رسیده اند. و در ذریعه، ج ۱، ص ۲۷۴ فرموده است تمام این تفسیر *روض الجنان* است و یک جلد شامل تفسیر بنی اسرائیل تا آخر زمربه قطع بزرگ در تهران نزد سلطان المتکلمین آورده است و شاید از مجلدات همین دوره و به همین خط بوده است.

این نسخه دارای ۶۹۷ صفحه و به قطع $۳۶/۵ \times ۲۴/۵$ سانتی متر است. سه صفحه از این نسخه افتاده و با کاغذ جداگانه صحافی شده است. کاغذ سمرقندی، جلد تیماج و مورخ به شانزده شهر ربیع الاول... دنباله عبارت ناخواناست. آخرین آیه از سوره عمران که در این نسخه آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

در همین صفحه یادداشت شده: «به تاریخ ۲۰ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۲۷». این نسخه هنوز فهرست نشده است.

۵. نسخه خطی شماره $\frac{۱۶۳۷۸}{۸۱۱}$ کتابخانه مجلس شورای ملی. این نسخه، که به قطع ۳۶×۲۳ سانتی متر است، دارای ۶۷۱ ورق و در هر صفحه ۳۱ سطر است. جلد آن از تیماج و کاغذ دولت آبادی و قطع رحلی است و ده جلد یا ده جزء نخستین تفسیر را شامل است و در سال ۱۰۵۷ ق توسط شخصی به نام «غلامعلی» نوشته شده است.

در آخر جزء ششم ضمن نقل عباراتی، که در پشت نسخه اصلی بوده و به این نسخه نقل شده، می نویسد که تاریخ کتابت نسخه اصل سال ۶۱۵ هـ بوده، و هر که پس از آن تاریخ از روی نسخه اصل استنساخ کرده، یادداشتی از خود به جای

گذاشته و در آن تاریخ استنساخ را نیز تصریح کرده است:

«صورة خط الكاتب من هذه المجلدة من نسخة الاصل في ذيلها اتفق الفراغ من نسخة ظهيرة يوم الاربعاء التاسع من شعبان المبارك سنة خمس عشرة و ستمائة على يدى اضعف عبادالله و احوجهم الى رحمة مولاه ابى عبدالله الحسين محمد بن الحسين المدعو حاجى بخط حامد الرية و مصلياً على نبيه و داعياً لصاحبه بورك له فيه».

در رمضان سال ۷۵۶هـ بار دیگر از نسخه اصل مورخ به ۶۱۵هـ، توسط ابوالحسین

محمد بن حیدر الخزرجی القمی استفاده شده است، بدین شرح:

«ایضاً و استفاد منه العبد الفقير الى الله تعالى ابوالحسين محمد بن حيدر الخزرجي القمي اعانه الله داعياً مترجماً اوائل شهر الله المبارك رمضان من سنة ست و خمسين سبعمائة هجرية».

بار دیگر در سال ۸۹۱ نسخه ای دیگر از روی نسخه اصل (۶۱۵هـ) فراهم شده است:

«و استفاد منه و استنسخ و طالع و اطلع على فوائده المذنب المحتاج الى رحمة ربه القوى محسن بن رضى الدين محمد الحافظ المصدر الرضوى في الروضة الرضوية على صاحبها السلام و التحية في محرم الحرام سنة ۸۹۱ غفرالله ذنوبه».

و نیز در ماه محرم سال ۶۰۶ کاتب دیگری از روی آن استنساخ نموده است:

«ايضاً انتسخ من اوله الى آخره و كتب ابو عبدالله بن علي بن ابى عبدالله... في تاريخ محرم ست و ستمائة».

در این تاریخ اسقاطی رخ داده است و سال ۶۰۶ درست به نظر نمی آید؛ زیرا نسخه اصل در سال ۶۱۵هـ تهیه شده و تاریخ استنساخ نمی تواند بر تاریخ اصل نسخه مقدم باشد.

سپس در سال هزار هجری نسخه اصل، یعنی نسخه سال ۶۱۵هـ، به دست قاضی

نورالله شوشتری در شهر لاهور افتاده و مدتی قریب به سه ماه صرف مرور و مطالعه و مقابله آن نموده است. عبارتی که درین باب در پشت صفحه نخستین جزء هفتم آمده چنین است:

«قد وفقنی الله تعالی لمقابلة هذه المجلد و مطالعتها في قریب من ثلاثة اشهر اخرها شهر رجب المرجب من سنة الف و كان ذلك في دار السرور لاهور صینت في ظل والیها عن الاقات و الشرور و انا الفقیر الى رحمة ربه الغنی نورالله بن شریف بن نورالله الحسینی المرعشی الشوشتری عفی الله عنهم و حشرهم مع النبی و آله الطاهرين».

و نیز در صفحه ۸۰۲ نسخه حاضر این عبارت یادداشت شده است:

«هذه المجلد كالمجلد السابق منقول من نسخة الاصل الذي وقفها على الروضة الرضیة الرضویة علی مشرفها الف سلام و تحية مرحوم المرتضى الاعظم السيد علاء الدین بن سید مظفر بن سید علاء الدین اثیر من اولاد حمزة بن الامام موسی کاظم علیه السلام في خامس ذیحجة الحرام سنة سبعین و ثمانمائه».

در این نسخه همه آیات به خط ثلث و ترجمه فارسی آنها به خط نسخ با شنجرف نوشته شده است. بسیاری از اوراق سوراخ شده و برخی از آنها وصالی گردیده است.

۶ نسخه خاضع مورخ چهارشنبه از ماه ربیع الاول سال ۱۰۳۷هـ

این نسخه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران متعلق است و هنوز فهرست نشده و به قطع ۱۷×۲۷ سانتی متر است. مجموعاً چهار جلد است به این خصوصیات:

۱. از آغاز تفسیر تا اول آیه «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ...» در صفحه آخر این مجلد نوشته شده:

«هذا آخر المجلدة الاولى و يتلوه في الثانيه قوله تعالى: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ

اللّٰهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً». و وقع الفراغ من كتبه يوم الأربعاء من شهر ربيع الاول سنة الف و سبع ثلثون. تم».

پنج مهر در صفحه اول دیده می شود:

مهر: ابوطالب بن احمد نورالدين حسين طباطبائي؛

مهر: مرید پادشاه عالم گیر شفیع خان؛

مهر: اعتصام الملک ۱۲۰۲؛

مهر: میر ابراهیم علی خان سنه ۱۲۳۱؛

مهر: اعتضاد الدوله ۱۲۵۶.

ب) مجلد دوم از تفسیر آیه «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ...» و شروع و به تفسیر آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» ختم می شود.

در حاشیه چند برگ به آخر مانده، نوشته شده:

«تفسیر بعض آیات از این مقام تا آیت «وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ» - الآیه از اصل ساقط

شده».

و در صفحه آخر کتاب چنین آمده است:

«وهذه المجلدة الرابعة و يتلوه في المجلد الخامسة قوله تعالى «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ». ان شاء الله تعالى و به الثقة و الحمد لله الشاكرين و الصلوة على محمد و آله الطاهرين».

ج) در درون جلد چنین یادداشت شده:

«صورة ما كان مكتوباً على ظهر المجلد الخامسة من نسخة الاصل الاصل -

المجلدة الخامسة من روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن جمعها الشيخ الاجل الامام العالم جمال الدين قطب الاسلام فخر العلماء شرف الائمة ابوالفتوح الحسين بن على بن محمد بن احمد الخزاعي حرس الله علوه و كبته عدوه بمحمد

و آله الطاهرين في شهر ربيع الثاني سنة تسع و تسعون و تسعمائة - سبع و خمسون
الف - سنة ثمان و ستين الف». در صفحه آخر چنین نوشته شده:

«تمت المجلدة الخامسة و يتلوه في السادسة ان شاء الله تعالى قوله تعالى:
﴿فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ﴾ - الآية - ﴿بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيْدِيهِمْ﴾ - الآية، و الحمد لله حمد
الشاكرين و الصلوة على محمد و آله الطاهرين».

این مجلد از آیه: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ﴾ - الآية شروع و به آیه ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى
مَا أَنزَلَ اللَّهُ...﴾ ختم می شود.

(د) این مجلد از آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ﴾ الآية شروع و
به آیه ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَ
يَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ تمام می شود. در صفحه آخر یادداشت شده:

«تمت المجلدة الثانية و يتلوه في الثالثة قوله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
الصِّيَامُ﴾ - الآية، انشاء الله و به الثقة».

کاتب نسخه اصل که این نسخه از روی آن تهیه گردید حسن بن علی بن الفضل
العمیدی المکنی بابی الیمین می باشد و در آخر نسخه چنین ضبط شده:
«کتبه الحسن بن علی بن ابی الفضل العمیدی المکنی بابی الیمین حامداً مصلیاً»
و در حاشیه نوشته شده:

«هذا صورة ما كان في آخر هذا الجزء من نسخة الاصل المنقول عليها».

۷. نسخه خطی ۲۰۴۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

این نسخه در قرن هشتم و یا نهم هجری تهیه شده، در درون جلد این عبارت
آمده است:

«هو العلیم الجزء الاول و الثاني و الثالث من کتاب روض الجنان و روح الجنان فی
تفسیر القرآن. جمعه علامة العالم الشیخ جمال الحق و الملة و الدین ابوالفتح

المکی الخزاعی الرازی (قدس الله روحه و روح الله فتوحه)».

در گوشه دیگر همین صفحه نوشته شده:

«هو من مستملكات اقل الطلبة ابو الحسن امامی، مهر ابو الحسن».

در این نسخه، کاتب آیه‌ها را درشت‌تر نوشته، عنوان با شنگرف آمده. قطع کتاب

۱۸/۵×۲۹ سانتی متر است، کاغذ سمرقندی و جلد مقوا و کتاب دارای ۴۱۷ برگ

است، کمی پایین‌تر این عبارت دیده می‌شود:

«هو مالك الملك انتقل هذا الكتاب الشريف العزيز الكريم الى العبد الضعيف

الراجی الملك الرحيم».

امضا و نام مالک آن پاک شده و ناخواناست. افتادگی‌های این نسخه در سده

یازدهم کامل شده است. چند بیت شعر به طور ناقص در حاشیه یادداشت شده و

نیز عبارتی ناقص در ذیل صفحه مرقوم گردیده است.

نسخه حاضر متضمن تمام سوره بقره و قسمتی از آل عمران است: ﴿تَوَلَّيْكَ اللَّيْلُ

فِي النَّهَارِ... لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ﴾، عبارت زیر در درون جلد یادداشت شده:

«عدد سورة القرآن مائة واربع عشر سورة وآياته ست الف وستمائة وست

وستون آية ألف منها أمر وألف النهي والف آية وعد والف آية وعيد والف آية عبر

وامثال والف آية قصص واخبار وخمسائة حلال وحرام ومائة دعاء وتسبيح وستون

آية ناسخ ومنسوخ».

۸ نسخه کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار

این نسخه که به شماره ۲۰۳۴ کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ثبت شده، دارای

۲۲۷ ورق، هر صفحه هفده سطر به قطع رحلی کوچک (۱۹/۵×۲۵ سانتیمتر)

دارای جلد چرمی و کاغذ اصفهانی است و سپهسالار آن را وقف کتابخانه مسجد

نموده است. مشتمل است بر تفسیر سوره یوسف تا پایان سوره بنی اسرائیل. متن به

خط زیبای نسخ و آیه‌ها به نسخ جلی و ترجمه فارسی آیات بخش به بخش با آیات مربوط به آن نوشته شده است. نام کاتب و سال کتابت در این نسخه به چشم نمی‌خورد.

مرحوم سپهسالار این نسخه را به نام «قدری از تفسیر گزاری» وقف کتابخانه مسجد نموده، ولی بنا بر آنچه ابن یوسف در فهرست کتابخانه دانشکده معقول و منقول و مدرسه عالی سپهسالار متذکر شده، وی پس از مطالعه متوجه شده که قسمتی از تفسیر ابوالفتح رازی است، نه تفسیر گازر.

۹. نسخه خطی شماره ۶۶۷۸۱ کتابخانه مجلس شورای ملی

این نسخه هنوز فهرست نشده و مشتمل است بر مجلد سوم از تفسیر ابوالفتح رازی و در قفسه شماره ۶۶۵۵ کتابخانه مجلس شورای ملی گذارده شده است. آغاز این جلد سوره مریم و تا دو ثلث از سوره احزاب را متضمن است. آیات با خط قرآنی در بالای صفحات و گاهی در حاشیه راست و چپ نگاشته شده، به مقدار یک یا دو و یا سه و چهار سطر. ترجمه آیات با مرکب قرمز و ذیل آیه نوشته شده، در متن صفحات آیه‌ها با مرکب قرمز و شرح و تفسیر با مرکب مشکی نگاشته شده، این نسخه دارای ۲۱۲ برگ: چهار صد و بیست و چهار صفحه و به قطع ۱۸×۳۳ سانتی‌متر، هر صفحه دارای ۳۰ سطر، در درون جلد چنین نوشته شده:

«بسم الله خير الاسماء، قد انتقل ما بيع الصحيح في ملكي وكيف اقول ملكي و لله ملك السموات و الارض اشتریت لولد الاغر سید حسین طول الله عمره تاریخ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۴۴ اقل السادات سید هاشم واعظ کابلی الهروی. زد توفیقاتی و بلغ عمری و عمر احسانی الی مائة و عشرين سنه بجاه محمد و آله الطاهرين. مهر عبده المتوکل علی الله الغنی السید هاشم الحسینی».

این نسخه به خط شهاب الدین فراهم آمده، در صفحه آخر که به تفسیر آیه

﴿تَجِئْتُهُمْ يَوْمَ يُلْقَوْنَ سَلَامًا﴾ خاتمه می‌پذیرد، چنین یادداشت شده:

«بارالها مغفرة كن كاتب اين كتاب را و مالکش و قاری را به حرمت محمد و آل محمد سلام الله عليهم».

گر به هم بر زده بینی خط من عیب مکن که مرا مخنت ایام به هم بر زده کرد
کاتب شهاب الدین اثر پنج مهر عبده المتوکل علی الله الغنی السید هاشم
الحسینی».

از خداوند عالم سپاسگزارم که این دلشده دلخسته به مدد لطف بیکرانش به
جمع و تألیف و تصحیح این مجموعه توفیق یافت.

تسهیلات فراوانی که اولیای محترم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه
مجلس شورای ملی و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار برای این بنده فراهم
آورده‌اند، همه وقت مشکور و مورد امتنان است.

از مسئولان و کارکنان محترم چاپخانه دانشگاه تهران سپاسگزارم که با دقت به
طبع این مجموعه پرداخته‌اند.

سپاس فراوان به همسر ارجمند و مهربانم، که در تأمین وسایل فراغت بال و
آسایش خاطر من بیش از همه وقت سعی کافی به کار برد و مرا با انجام دادن این
خدمت موفق گردانید.

به پایان رسید مقدمه جلد سوم از کتاب تحقیق در تفسیر ابوالفتح رازی به خامه
این دلخسته درمانده، روز دوشنبه پنجم آبان ۱۳۴۸ ش مطابق با روز میلاد با
سعادت حضرت قائم علیه السلام (پانزدهم شعبان ۱۳۸۹ ق مصادف با پنجاهمین سال
زندگی راقم این سطور) در باغ واقع در روستای شخصی، شیروانه از دهستان
اسفندآباد، بخش قروه کردستان.

عسکر حقوفی

(۶)

فهرست اشعار

۷۴	ابا سعدٍ فَإِنَّكَ مِنْ قَبِيلِ
۷۵	إِخْتَرْتَ رِمَاداً رِمْدًا
۸۹	أَوْمَلُ أَنْ أَعِيشَ وَأَنْ يَوْمِي
۷۳	أَلَا يَا قَبِيلُ وَيَعَكَ قُمْ فَهَنِينِ
۴۹، ۴۸	تَغَيَّرَتِ الْبِلَادُ وَمَنْ عَلَيْهَا
۴۹	تَنَحَّ عَنْ الْبِلَادِ وَسَاكِنِهَا
۴۹	دَعِ الشُّكُوى فَقَدْ هَلَكَآ جَمِيعًا
۵۲۲	دَعِينِي لَا أَبَا لَكَ لَمْ تُطِيقِي
۵۴۹	سَبَقَتْ إِلَيَّ فَرُوطٌ بَاهِلٌ
۲۰۸	كَلَمُونُ هَذَا رُكْنِي
۷۷	لَمْ يَبْقَ إِلَّا الْخَلْجَانُ نَفْسُهُ
۲۰۸	يَا قَوْمَ إِنَّ شُعْبِيًّا مُرْسَلٌ فَذَرُوا

۳۹۲	از درد دل محب حبیب آگه نیست
۷	ای درون پرور برون آرای
۳۹۲	پروانه ز بهر نور در نار افتاد

فهرست مطالب

۷	مقدمه مؤلف
۱۴	شیوه خاص انشایی ابوالفتح در قصص
۱۸	وصف اجمالی نسخ خطی و عکسی
۱۹	۱. میکروفیلم شماره ۲۹۰۴ متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۱۹	۲. میکروفیلم شماره ۲۹۰۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۲۰	۳. میکروفیلم شماره ۲۹۸۰ متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۲۰	۴. نسخه حسن زاده (ح)
۲۱	۵. نسخه خطی شماره ۱۶۳۷۸ کتابخانه مجلس شورای ملی
۲۳	۶. نسخه خاضع مورخ چهارشنبه از ماه ربیع الاول سال ۱۰۳۷ هـ
۲۵	۷. نسخه خطی ۲۰۴۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۲۶	۸. نسخه کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار
۲۷	۹. نسخه خطی شماره ۶۶۷۸۱ کتابخانه مجلس شورای ملی
۲۹	آدم
۴۳	هابیل و قابیل
۵۲	نوح
۷۰	هود
۸۱	صالح
۸۳	قصه ثمود و صالح و کشتن ناقه و هلاک ایشان
۹۵	ابراهیم
۱۱۸	احیا و اماته
۱۲۳	اسماعیل ذبیح
۱۲۸	الیاس علیّه
۱۳۶	لوط
۱۴۳	یعقوب و یوسف
۲۰۲	وصیت یعقوب علیّه

۲۰۲	مرگ یعقوب
۲۰۵	شعیب
۲۱۲	موسی
۲۱۲	خواب دیدن فرعون
۲۲۰	ولادت
۲۲۲	موسی بن عمران و کشتن قبطی
۲۲۶	ورود موسی به شهر مدین - داماد شعیب
۲۳۲	خلع نعلین در وادی مقدس
۲۳۷	رسالت موسی و هارون و دعوت از فرعون
۲۴۹	هلاک فرعون
۲۵۴	معجزات موسی
۲۶۴	غذایهای الهی
۲۷۱	نزول تورات
۲۸۰	گوساله سامری
۲۸۵	نیرنگ سامری با بنی اسرائیل
۲۹۳	ایمان زن فرعون - مؤمن آل فرعون
۲۹۸	من و سلوا - تیه
۳۰۱	شنبه روز آسایش
۳۰۳	ماده گاو
۳۰۸	دیدار موسی و خضر
۳۱۲	موسی و قارون
۳۱۸	بلعم باعورا
۳۲۱	نقبای موسی: موسی و عوج بن عنق
۳۲۴	مرگ موسی و هارون و نبوت یوشع
۳۳۰	طالوت
۳۴۷	داوود علیہ السلام
۳۵۳	سلیمان
۳۷۶	سلیمان و اسبان
۳۷۷	سلیمان در معرض امتحان خداوند
۳۸۰	بنای مسجد

۳۸۷	مرگ سلیمان علیه السلام
۳۹۰	سلیمان و شیاطین سحر و نیر نجات
۳۹۱	حکایت هزارستان و سلیمان علیه السلام
۳۹۳	ارمیا
۴۱۶	عزیر
۴۲۵	ایوب
۴۳۳	یونس
۴۴۲	پیامبران در انتظار
۴۴۷	داستان حزقیل
۴۵۱	زکریا و یحیی
۴۵۷	مریم
۴۶۳	عیسی
۴۸۴	ذو القرنین
۴۹۵	داستان اصحاب کهف و اصحاب الرقیم
۵۱۳	اصحاب الاخدود
۵۱۸	سیل عرم
۵۲۱	اصحاب فیل
۵۲۷	لقمان
۵۳۱	هاروت و ماروت
۵۳۵	اصحاب السبت
۵۴۱	اصحاب رس
۵۵۰	برصیصای راهب
۵۵۵	فهارس عمومی
۵۵۷	۱. فهرست آیات
۵۶۳	۲. فهرست روایات
۵۶۵	۳. فهرست اعلام
۵۸۳	۴. فهرست کتابها
۵۸۴	۵. فهرست اماکن و جماعات و نواحی
۵۸۹	۶. فهرست اشعار
۵۹۰	۷. فهرست مطالب